

زیباشناسی اختلاف فواصل آیات در آیات متشابه لفظی

نوع مقاله: پژوهشی

محمدعلی کاظمی تبار؛ محمدرضا باغبان زاده امشه؛ فاطمه سرچاهی^۳

۱. استادیار گروه آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان، ایران، تهران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه گیلان، ایران، گیلان

۳. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران، مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

قرآن کریم مشتمل بر زیبایی‌های بی‌پایانی در حوزه بیانی و ادبی است. بخشی از این زیبایی‌ها در قالب آیاتی نمود یافته است که به لحاظ موضوعی و ساختار واژگانی با هم یکسان بوده و تنها در حروف یا واژگانی اندک ناهمگون هستند که از آن به «آیات متشابه لفظی» یاد می‌شود. در این میان «فواصل» نیز به عنوان عاملی زیباساز در همگونی و هماهنگی واژگان نقش خود را ایفا می‌کنند. فواصل عبارتند از حروف هم‌شکل در مقاطع آیات که موجب فهم بهتر معانی می‌شوند و در پایان آیات به دلیل سیطره‌ای که بر محتوای آیات دارند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند که در تفسیر هر آیه بسیار اثرگذار است. بر همین اساس پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی، در پی این است که حکمت تأثیر آیات متشابه بر فواصل گوناگون را دریابد و رابطه میان آیات متشابه لفظی و فواصل آن‌ها را کشف نماید. همچنین به دنبال یافتن زیبایی‌های معنایی و نکات بلاغی و سیاقی، در کنار تفسیر زیباشناسانه بر پایه هماهنگی فواصل است. در نتیجه سیاق و پیوند معنایی آیات همجوار در بسیاری موارد وجه اختلاف فواصل آیات متشابه است. پس از سیاق، تفنن در فصاحت و موسیقی و ریتم سوره‌ها می‌تواند دلیل اختلاف فواصل هر سوره باشد که به آن آهنگ خاصی می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، متشابه لفظی، فواصل، سیاق.

١. مقدمه

یکی از جلوه‌های زیبایی قرآن کریم، همگونی واژگانی آن است، به گونه‌ای که بافتی منسجم و گوش‌نواز را می‌آفریند. این همگونی این قدر بجا و زیباست که جز از خالق بی‌همتا ساخته نیست. نمونه‌ای از این زیبایی را در این آیه، شاهد هستیم: ﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ وَ التَّفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ﴾ (قیامت/ ۲۶-۳۰). آیات متشابه لفظی یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم است؛ زیرا در تکرار واژگان در این آیات، اسرار و فوائدی نهفته است، چنان‌که گفته‌اند: «هرجا خدای حکیم آیه‌ای را با لفظ مخصوص آورده و سپس همان را در جای دیگری از قرآن با اندک تغییری تکرار کرده، حتما حکمتی داشته است، که اگر درک شود، قطعاً موفقیتی در پی خواهد داشت». (خطیب اسکافی، ۱۴۲۲: ۲۵۰).

١-١. بیان مسأله

یکی از بارزترین جلوه‌های زیبایی در قرآن کریم، هماهنگی و همگونی میان پایان آیات است که از آن با عنوان فاصله یا تناسب فواصل یاد می‌شود. فاصله در قرآن، باعث تمایز آن از نثر و شعر می‌شود. گفته شده کلام عربی قبل از نزول قرآن به دو نوع نظم و نثر تقسیم می‌شد، اما با نزول قرآن به شعر، نثر و قرآن تقسیم گردید. (کواز، بی تا: ۳۱۴). اهمیت فاصله به اندازه‌ای است که علمای کلام، لغت، ادب و خصوصا علمای نحو، بلاغت، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی درباره آن سخن گفته‌اند. (حسنای، ۱۴۲۱: ۴۳).

این ویژگی ساختاری، ارتباطی تنگاتنگ با معنا دارد و در تمامی سوره‌های قرآن به شکل-های گوناگون دیده می‌شود، اما نمود این آرایه در هر سوره با توجه به حال و هوای آن، طول آیات و میزان همسانی فواصل، متفاوت است و در سوره‌های دارای آیات کوتاه از جمله سوره مکی، نمود برجسته‌تری دارد. از دلایل اهمیت فاصله، می‌توان به نقش مهم آن در بلاغت قرآن اشاره کرد؛ زیرا اگر بلاغت، به معنای بیان سخن بر اساس مقتضای حال مخاطب و رسایی بیان و تأثیرگذاری آن در جان و ذهن شنونده است (هاشمی، ۱۴۲۳: ۲۳)، یکی از بهترین مصادیق آن در قرآن فواصل است؛ زیرا تنوع فاصله حتی در آیاتی که محتوای یکسان دارند، نشان از بیان مطلب بر اساس مقتضای حال مخاطب است.

۲-۱. سوالات پژوهش

- علت اختلاف فواصل آیات، در آیات متشابه لفظی چیست؟
- اختلاف در فواصل آیات، چگونه با معنا و مفهوم آیات ارتباط می‌یابد؟

۳-۱. پیشینه تحقیق

پیرامون موضوعات زیبایی‌شناسی، آیات متشابه لفظی و فواصل آیات، تاکنون پژوهش‌هایی انجام گرفته است که به آن اشاره می‌کنیم: در بحث زیباشناسی قرآن، می‌توان به کتاب *التعبیر القرآنی* نوشته سامرائی، *درة التنزیل و غرة التناویل* تالیف خطیب اسکافی و *اسرار التکرار* کرمانی اشاره نمود. از جمله پژوهش‌های انجام شده در زمینه آیات متشابه لفظی، رساله دکتری با عنوان «*المتشابه اللفظی فی القرآن الکریم و اساره البلاغیه*» است که توسط صالح بن عبدالله بن محمد الشثری، با راهنمایی محمد محمد ابوموسی در دانشگاه امّ القری عربستان، سال ۲۰۰۱م. انجام شده است. نگارنده در این پژوهش، آیات متشابه لفظی و انواع آن را مورد بررسی قرار داده و در مورد اسرار و فوائد بلاغی آن مباحثی را مطرح نموده است. همچنین کتاب «*آیات متشابهات الالفاظ فی القرآن الکریم و کیف التمییز بینها*» نوشته عبدالمحسن بن حمد بن عبد المحسن البدر که در سال ۲۰۰۲م. توسط انتشارات دار الفضیلة ریاض، منتشر شده است.

اما در زمینه فواصل آیات و تناسب آن، کتاب *تناسب آیات*، نوشته محمد هادی معرفت، فواصل قرآن جواد طاهرخانی و *الدلالات المعنویة لفواصل القرآنیة* نوشته جمال محمود ابوحسان را می‌توان نام برد. همچنین رساله دکتری با عنوان «*المناسبة بین الفواصل القرآنیة و آیاتها*» توسط کوثر بسام النعسان و با راهنمایی محمود هاشم عنبر، در سال ۲۰۱۰ در دانشکده اصول دین دانشگاه غزه نوشته شده است. نویسنده در این رساله به معرفی علم فواصل، انواع فاصله‌ها و روش شناسایی و فوائد فواصل قرآنی پرداخته است.

در این زمینه، مقالاتی نیز نوشته شده است: از جمله مقاله «*رابطه فاصله آیات قرآن کریم با معنا*»، اثر فؤاد عبدالله‌زاده و همکاران که به بررسی رابطه معنا و فواصل قرآنی و تأثیرپذیری فواصل از معنا پرداخته‌اند. مقاله دیگر با عنوان «*چالش ارتباط معنایی فواصل با محتوای آیات قرآن کریم*» نوشته آخوندی است که به مشکلات فواصل، ذیل آیات پرداخته است. نکته قابل

ذکر این است که هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده، اختصاصاً به موضوع فواصل در آیات متشابه لفظی نپرداخته و در صدد تبیین دلیل اختلاف فواصل آیات با وجود مشابه بودن این آیات برنیامده‌اند. از این رو پژوهش حاضر از این جهت، حاوی نوآوری بوده و تلاش می‌کند با ذکر شواهدی از قرآن کریم، زیبایی فواصل در آیات متشابه لفظی را تحلیل کرده و نقش فواصل در تقسیم‌بندی آیات همسان را مورد بررسی قرار دهد.

۲- «فاصله» در لغت:

واژه فاصله اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای جداکننده بین دو چیز است که باعث تمییز بین آن‌ها می‌گردد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۵۲۱) فاصله از ریشه «فصل» به معنی مسافت میان دو چیز یا آنچه میان دو چیز واقع شود و باعث آشکارشدن آن‌ها گردد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۰۵؛ فیروزآبادی، ج ۱: ۱۰۴۲)

۳- «فاصله» در اصطلاح:

در معنای اصطلاحی فاصله تعریف‌های زیادی وجود دارد. برخی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود (رمانی، ۱۳۸۷: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷: ۶۱). برخی دیگر به اواخر آیات، فاصله گفته‌اند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۵۲۴؛ ابن خلدون، بی‌تا، ج ۱: ۷۸۱)، بی‌آن‌که مشخص سازند منظور حرف، واژه یا جمله آخر آیه است. زرکشی و سیوطی فاصله را کلمه آخر آیه، مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند. (زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۶). همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶: ۲۹) به نظر برخی دیگر فواصل «عبارت است از حروف شبیه به هم در پایان آیات که معنای کلام به واسطه آن مشخص می‌گردد و دارای بلاغت است. (باقلانی، ۱۹۷۷: ۱۹؛ رمانی، ۱۹۷۶: ۹۷)

این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است، اما جامع و مانع نیست. همچنین گفته شده: «فاصله، توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶: ۲۹). زرکشی و سیوطی فاصله را کلمه آخر آیه، مانند قافیه در شعر و قرینه در سجع معرفی می‌کنند. (زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۳: ۳۳۲).

این تعریف، دقیق‌تر است: «فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوتی، فاصله، حروف و کلمات پایانی آیه است که به آیات یک سوره، نظم و آهنگ خاصی می‌دهد و از جنبه دلالتی، عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که دارای اهدافی خاص بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی وثیقی دارد». (آخوندی، ۱۳۹۷: ۴۴) گویا دانشمندان اسلامی این اصطلاح را از قول خدای تعالی ﴿كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ﴾ (هود: ۱) گرفته‌اند. بنابراین فواصل قرآن کریم، در همه جا عین بلاغت، حکمت و زیبایی و تنها راه فهم معانی و مبانی کلام است و قرآن کریم از این بُعد، در نهایت درجهٔ اعجاب و شگفتی قرار دارد.

۴- متشابه در لغت:

این کلمه، صفت مشبَّه، بر وزن اسم فاعل و مشتق از مصدر «تشابه» است. ابن فارس گوید: «شبه در اصل به چیزی اطلاق می‌شود که از نظر شکل، رنگ یا اوصاف، شبیه چیز دیگر باشد». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۴۳)

۵- معنای اصطلاحی متشابه لفظی

یکی از دانش‌های مرتبط با قرآن کریم، «علم آیات متشابه لفظی» است که دربارهٔ عدم تکراری بودن آیات و رفع شبههٔ تناقض در قرآن، بحث می‌کند. منظور از متشابه لفظی، تشابه در لفظ و اختلاف در معنا است، یعنی در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که موضوعی را با الفاظ و تعابیر مشابه بیان می‌کند، اما از لحاظ ساختارکلام، تفاوت‌های جزئی در آن به چشم می‌خورد. (خطیب اسکافی، ۱۴۲۲ق، ص ۵، کرمانی، ۱۴۰۶: ۱۹) البته آیات متشابه لفظی، از جهاتی مانند تقدیم و تاخیر، حذف و ذکر و فصل و وصل، تفاوت‌هایی باهم دارند که این موضوع در بحث اختلاف فواصل، مورد بررسی قرار گیرد.

۶- فواصل متفاوت در آیات متشابه

یکی از شگفتی‌های فواصل آیات قرآنی، اختلاف فواصل در دو آیهٔ مشابه است. در برخی سوره‌ها آیاتی کنار یکدیگر واقع شده که از نظر محتوا، مضمون و فواصل نزدیک به هم هستند. دقت در این فواصل و انتخاب آن‌ها برای محتوای خاص حائز اهمیت بوده و نکات زیبایی به

دست می‌دهد که از آن جمله تناسب و اعجاز بیانی آیه است. قرآن پژوهان تأکید دارند که همواره در آیات قرآن فواصل آیات، با محتوای آن‌ها ارتباط تنگاتنگ دارند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اگر بین فواصل آیات و محتوای آن‌ها ارتباط و هماهنگی وجود دارد، چرا در بعضی از آیات متشابه، فواصل آیات متفاوت آمده است؟ دقت و تأمل در این آیات بیانگر ظرافت‌هایی است که بر زیبایی و شگفتی قرآن می‌افزاید.

٦- ١- تفاوت فواصل در سمع و بصر:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَوْ لَيْلًا تَسْمَعُونَ﴾ (قصص: ٧١)
 ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهَا، أَوْ لَيْلًا تُبْصِرُونَ﴾ (قصص: ٧٢)

اختلاف فاصله در این آیات، با معنای آیه مرتبط است؛ زیرا در آیه اول، از شب سخن به میان می‌آید و در شب حس شنوایی نسبت به بینایی، قوی‌تر است، لذا آیه با کلمه‌ای که رابطه‌ای بیشتری با شب دارد به پایان می‌رسد. ناگفته نماند که برخی، فواصل این آیات را جزء سجع متوازی نامیده‌اند (حسنای، ١٤٢١: ٢٣٧؛ نصار، ١٩٩٩: ١٦٣).

علت این که آیه نخست با «أَوْ لَيْلًا تَسْمَعُونَ»، به پایان می‌رسد، این است که شنیدن با تاریکی تناسب دارد. شب تاریکی مطلق است و چشم در تاریکی قدرت عمل ندارد و غیر از حس شنوایی، سایر حواس کاربردی ندارند. (ابن ابی اصبع مصری، ١٣٦٨: ٢٣٣؛ بدوی، ٢٠٠٥: ١٢٢؛ عباس، بی‌تا: ٨٩؛ لاشین، ٢٠١٤: ٧١-٧٢؛ معرفت، ١٤١٠، ج ٥: ٢٠٠)

از طرف دیگر خداوند در این آیه قصد موعظه دارد و موعظه شنیدنی است، یعنی چرا به گونه‌ای نمی‌شنوید که در آن مطلب، تدبیر کنید. شنیدن درست با تفکر و تدبیر، همراه است. (آلوسی، ١٤١٥، ج ١٠: ٣١٤) نتیجه این که فاصله آیه با جان کلام در ارتباط است و این معناست که آن دو را به هم مرتبط می‌سازد.

اما در آیه دوم، سخن از روز است و روز، ظرف کارهای مردم و تصرف در امور است. نشانه روز هم روشنی‌بخشی است که باعث دیدن می‌شود، بنابراین آیه را به «أَوْ لَيْلًا تُبْصِرُونَ» ختم کرد. (ابوالفتح رازی، ١٣٧١، ج ١٥: ١٦٥؛ ابوحیان، ١٤٢٠: ١٧٦؛ ابن جماعه، ١٤٢٧: ١٩٧؛ انصاری، ١٤٢٤: ٤٣٣؛ طباطبایی، ١٣٧٨، ج ١٦: ١٠٣؛ طوسی، بی‌تا، ج ٨: ١٦٥؛ کرمانی، ١٤١٨: ١٤٧؛ مغنیه، ١٤٢٤، ج ٦: ٨٣)

همان‌طور که ملاحظه شد اختلاف فواصل این آیات مربوط به حواس است و این که شنیدن را به شب و دیدن را به روز نسبت داده، اشاره‌ای حکیمانه و از دقیق‌ترین مناسبت‌های معنوی بین صدر و ذیل آیات است.» (خالدی، ۲۰۱۴: ۸۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۸۲؛ طبیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۹۳).

۶-۲- تفاوت فواصل در افعال یؤمنون و یسمعون:

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (نمل: ۸۶)

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ (یونس: ۶۷)

این آیات، ضمن بیان فواید شب و روز، هدف اصلی شب را سکونت و آرامش و هدف روز را، بصیرت و بینایی در رسیدن به مواهب حیات معرفی می‌کند. شب با پردهٔ ظلمتش دیدگان را در حجاب می‌کند، همان‌گونه که کفّار ادراک خود را در حجاب قرار داده‌اند و روز با روشنایی خود بصیرت به همراه دارد، همان‌گونه که مؤمنان، با بصیرت و عقل خود، راه یافته‌اند. علمای بیان، ذکر لیل و نهار در این آیات (اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا) و (وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا) را از باب «لف» و نشر» خوانده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۷۷۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷ الف، ج ۵: ۳۲؛ عباس، ۱۴۲۹: ۲۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۰۰).

در سورهٔ یونس، قبل از این آیه، به مالکیت خداوند نسبت به همه چیز اشاره شده است: ﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ﴾ (یونس: ۶۶) بنابراین بافت آیات در این سوره، سخن گفتن از نعمت‌های خداوند است و این بافت مستلزم معانی اختصاص و مالکیت است. طبق سیاق آیات، عموم مردم از مومن و کافر، قابل هدایت و گمراه و ... مورد خطاب قرار گرفته است، از همین رو در آخر آیه، شنیدن را مطرح نموده است؛ زیرا خداوند از این گفتار قصد موعظه دارد و موعظه، باید شنیده شود، لذا آیه با «لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» به پایان می‌رسد. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۹: ۳۱۵؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۳۴) قطعاً در این مسأله، یعنی خواب و تلاش در پی معاش، نشانه‌هایی است برای کسانی که شنوا باشند و حقیقت را درک کنند. آنان پس از شنیدن، دربارهٔ چیزی که می‌شنوند، می‌اندیشند. (قطب، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۷۶۵).

اما در سورهٔ نمل طبق بافت آیات قبل، خصوصیت گروه خاصی مدنظر است. گروهی که آیات خدا را تکذیب کردند: ﴿وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّنْ يُّكَذِّبُ بآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ حتیٰ إِذَا

جاءوا قَالُ أَكْذَبْتُمْ بآيَاتِي وَ لَمْ تَحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْأَا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ* وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ﴾ (نمل: ٨٣-٨٤-٨٥). استفهام به کار رفته در آیه مورد بحث، کنایه از تعجب و توبیخ کسانی است که در نشانه‌های خداوند تأمل نمی‌کنند و داشتن چنین دیدگاهی مستلزم توبیخ آنان و تعجب از رفتارشان است. (ابن عاشور، ١٤٢٠، ج ١٩: ٣١٥)، شب، نمود رحمت خدا بر مردم و نشانه حکمت و قدرت الهی است و نادیده گرفتن نقش شب، نمونه‌ای از تکذیب جاهلان این افراد است. (قرائتی، ١٣٨٨، ج ٦: ٤٦٢). قومی که ایمان می‌آورند به معنای مداومت در ایمان آوردن، با موضوع سکونت شب و بصیرت‌زایی روز، بسیار تطابق دارد؛ زیرا این تداوم در آمدن شب در پی روز و بالعکس، روندی است که با گذرش، موجب ایمان در انسان می‌شود. قرآن اهلیت آن را دارد که برای تمام عالم تذکره باشد، اما در مقام فعلیت، تنها کسانی از آن متذکر می‌شوند که خودشان بخواهند بر صراط حق، پایدار بوده و بر عبودیت خدا استوار بمانند. خطاب این آیه متوجه مؤمنان است و کلمه «یومنون» با صیغه مضارع آمده تا هم مؤمنین گذشته و هم کسانی که در آینده، امید ایمان از آن‌ها می‌رود را شامل شود. از این رو آیه را با فاصله «لَقَوْمٌ يُؤْمِنُونَ» ختم کرد. (آلوسی، ١٤١٥، ج ١٠: ٢٤٠؛ ابن‌عاشور، ١٤٢٠، ج ١٩: ٣١٥؛ ابن عطیه، ١٤٢٢، ج ٤: ٢٧٢؛ انصاری، ١٤٢٤: ٢١٧؛ بقاعی، ١٤٢٧، ج ٥: ٤٥٤؛ قطب، ١٤٠٨، ج ٥: ٢٦٦٨؛ مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج ٢٦: ٢٠٢).

٦-٣- اختلاف فواصل بر اثر تفاوت جمله پایانی:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيَّنَّهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص: ٦٠)
 ﴿فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (شوری: ٣٦)

باتوجه به سیاق آیات در سوره قصص که صحبت از متاع زندگی دنیا و زینت آن است، داستان قارون با قصه این آیه در آمیخته است.

در سوره قصص (أَفَلَا تَعْقِلُونَ) متصل به این آیه آمده است: ﴿أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾ (قصص: ٦١) و مراد از «وعداً حسناً»، مجموعه‌ای از وعده‌های دنیوی و اخروی است که رسیدن به آن‌ها قطعی و مسلم است. آیا پیروان هدایت که به وعده نیکو در دنیا و آخرت بشارت داده شده‌اند، با افراد

برخوردار از نعمت‌های کم‌ارزش زندگی دنیا در مقایسه با نعمت‌های آخرت که از احضار-شدگان برای چشیدن عذاب هستند، یکسان خواهند بود. بلافاصله در جواب می‌گوید: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ متاع زندگی دنیا، فانی است، اما آنچه به دست می‌آورد، حیات همیشگی و زندگی سعادت‌مندانه در آخرت است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۳۰۶).

به کار بردن فعل مجهول درباره نعمت‌های دنیا، برای کم ارزش نشان دادن آن در مقایسه با نعمت‌های آخرت است. اگر انسان بر سر دو راهی میان زینت دنیا و نعیم آخرت ایستاده باشد، آنچه که شایسته است برگزیند، آخرت است. لذا ذیل آیه متناسب با مضمون آن می‌فرماید: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» تا مردم را به تعقل و اندیشیدن درباره این انتخاب دعوت کند. اما بافت آیات در سوره شوری، شامل این آیات است:

۱. ﴿وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (شوری: ۷) و آنان را از روزی که همه خلایق در آن روز جمع می‌شوند و شکی در آن نیست، بیم دهی.
۲. ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَ هُوَ واقعٌ بِهِمْ﴾ (شوری: ۲۲). در آن روز ستمگران را می‌بینی که از اعمالی که انجام داده‌اند سخت بیمناکند، اما چه فایده که مجازات اعمال‌شان آن‌ها را فرا می‌گیرد.
۳. ﴿وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ﴾ (شوری: ۳۱) و غیر از خداوند هیچ ولی و یآوری برای شما نیست.

سیاق این آیات صحبت از آخرت است که همراه با ترسی نهفته است و خداوند برای از بین بردن این ترس، در آیه بعد، می‌افزاید: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾. در واقع بین جمله تخویفی و جمله خبری تناسب وجود دارد تا انسان بترسد و تقوا پیشه کند و آن‌گاه با جمله خبری امیدبخش، به ماعندالله، راغب‌تر شود. البته برای کسانی که ایمان دارند و به خدا توکل کنند، هیچ‌گونه ترسی نیست، از همین رو در ادامه، فرموده است: ﴿لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (ابن زبیر، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۸۵؛ شعیر، ۲۰۱۳: ۴۸۵).

در این آیه تکیه روی امور باطنی، یعنی ایمان و توکل است. توکل در منطبق قرآن، اعتماد بر خداوند و قدرت اوست و از نشانه‌های مهم ایمان، اعتمادکردن به قدرت لایزال الهی است. برای همین در سوره شوری، «لِلَّذِينَ آمَنُوا» و «عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» آمده است.

٦-٤- تفاوت فواصل در صفت مفرد و جمله:

﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ﴾ (اعراف: ٨١)

﴿أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ جَاهِلُونَ﴾ (نمل: ٥٥)

در سوره اعراف پس از آشکارکردن عمل زشت قوم لوط، آن‌ها را به مُسرف بودن توصیف کرده است. اکثر لغویون «سرف» را تجاوز از حد در هرکاری معنا کرده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۱۰). از سوی دیگر «کلُّ إسرافٍ جهلٌ و کلُّ جهلٍ إسرافٌ». (فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۲۱۴؛ کرمانی، ۱۴۱۸: ۸۶) در حقیقت انسان اسراف‌کار نسبت به اسرافش جاهل است و انسان جاهل نیز در افعال و کارهای خود زیاده‌روی می‌کند؛ زیرا اسراف در حقیقت تجاوز از حد واجب به سمت فساد است. تعدادی از مفسران، علت اختلاف این آیات را رعایت فواصل با آیات گذشته دانسته‌اند، یعنی در پایان آیه برای مطابقت با آیات قبلی که به اسم ختم شده‌اند، واژه «مسرفون» آمده است. از جمله: «العالمین» (۸۰)، «الناصحین» (۷۹)، «جامئین» (۷۸)، «الموسلین» (۷۷). همین‌طور در سوره نمل، به خاطر رعایت فاصله با افعال «یَعْلَمُونَ»، «یَتَّقُونَ»، «تُبْصِرُونَ» (نمل: ۵۲-۵۴) فعل «تجهلون» استفاده شده است که از نظر نحوی، تناسب بیشتری با آن‌ها دارد. (أبوحسان، ۱۴۳۱: ۳۶۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۰۱؛ انصاری، ۱۴۲۴: ۱۰۵؛ ۱۶۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۲۱۴؛ کرمانی، ۱۴۱۸: ۱۲۴-۱۲۵؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۳: ۲۷۹)، اما رعایت فاصله، نمی‌تواند تنها دلیل قانع‌کننده برای این امر باشد. حقیقت این است که در پس استفاده از هریک از این عناصر، نوعی شعور آگاهانه و حکمت نهفته است و بهتر است بگوییم علاوه بر رعایت فاصله، اسراف را با وجه اسمی آورده است که دلالت بر ثبات دارد. (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۰۱)؛ زیرا از کلمه «مُسْرِفُونَ» چنین استنباط می‌شود که این افراد علی‌رغم داشتن زن و فرزند، مرتکب این عمل شنیع می‌شوند. اسراف از این نظر که آنان نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز نموده‌اند. (خطیب اسکافی، ۱۴۲۲: ۱۶۲).

از طرف دیگر اسراف گناهی نابخشودنی است و قوم لوط در انجام این عمل زشت از حد تجاوز کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱۷) لذا مسرفون با وجه اسمی به‌کار رفته است که دلالت بیشتر و گسترده‌تری دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۱۷۹). نتیجه این که حال و مقام اقتضا می‌کند تا در سوره اعراف از وجه اسمی استفاده شود و اسراف را که صفت ثابت آن‌ها است، به مخاطب القا نماید.

اما در سوره نمل، قوم لوط به جهل توصیف شده است، یعنی خالی بودن نفس از علم و انجام دادن چیزی بر خلاف آنچه باید انجام شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۹۰)، یعنی به رغم آن که فرد، علم به نادرستی عملی دارد، باز هم به چنین کار قبیحی دست می‌زند. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۷۵) سیدقطب در تفسیر این آیه دو معنا را برای جهل بیان کرده و می‌گوید: هر دو معنای جهل، یعنی نداشتن علم و فرهنگ، سفاقت و حماقت، در این انحراف پلید و مغبوض وجود دارد ... کسی که این‌گونه از فطرت منحرف می‌شود، بی‌خرد و نادان است و بر همه حقوق تجاوز کرده است. (قطب، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۶۴۷).

صاحب المیزان ترجیح مردان بر زنان در امور جنسی را دلیل جهل آنان می‌شمرد. این جمله که به صورت استفهام انکاری آمده: ﴿أَأِنَّكُمْ لَأنتُونَ الرِّجَالَ﴾، به لحاظ قواعد نحوی دلالت بر این دارد که تعجب در این بیان به حدی است که احدی آن عمل را نمی‌پذیرد و تصدیق نمی‌کند. نسبت جهالت به این قوم، به بی‌خردی و بی‌توجهی فراوان این قوم اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۵۳۸).

بقاعی در علت اختصاص سوره نمل به «تجهلون» می‌گوید: «از آن‌جا که مقصود در این سوره علم و حکمت است و قوم لوط با آن مخالفت ورزیدند، خداوند فرمود «تجهلون»، یعنی شما به خاطر زیبا جلوه‌دادن شهوات، آن عمل را به گونه‌ای انجام می‌دهید که مبالغه‌کنندگان در جهل انجام می‌دهند» (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۵: ۴۳۵).

بنابراین می‌توان گفت، استفاده از «مصرفون» و «تجهلون» منافاتی با یک‌دیگر ندارد و با توجه به این که فضای سوره نمل بر اساس علم و حکمت بنا نهاده شده و جهل ضد آن است، فاصله مناسبی برای این آیه می‌باشد.

۶-۵- تفاوت در محتوا و معنای واژگان:

﴿ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ﴾ (انعام: ۱۳۱)

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ﴾ (هود: ۱۱۷)

در این دو سوره خداوند می‌فرماید شهرها و آبادی‌ها را از روی ستم هلاک نمی‌کند، در حالی که مردمان آن غافل یا مصلح‌اند. در سوره انعام بافت آیات قبلی در مورد عذاب است: ﴿قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ* وَكَذَلِكَ نُوَلِّىُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا

﴿مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (١٢٨) و نیز، سخن از انذار و برحذر داشتن است: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا شَٰهَدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا﴾ (١٢٩) بنابراین اقتضا می‌کند که بگویند: مؤاخذه نمی‌کند درحالی که آنان در غفلتند. باید ابتدا، انذار و آگاهی صورت گیرد.

بنابراین باید گفت آنان در حال بی‌خبری سرزنش نشدند، بلکه با پند و اندرزهای پیامبر ﷺ آگاه می‌شدند و مراد از «غافلون» کسانی‌اند که پیامبری به سوی‌شان فرستاده نشده و از هدایت و انذار الهی بی‌خبرند.

همچنین در سوره هود، جمله «وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ» با جمله پیشین خود ارتباط دارد. چنان که در آیه قبل سخن از قومی هست که مفسدند و صحبت از نهی کردن از فساد و اصلاح است: ﴿لَوْ لَا كَانَتْ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ (هود: ١١٦)، چرا در قرون قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! نقض فساد در زمین اصلاح است و خداوند به هلاکت نمی‌رساند قومی که مصلح هستند. لذا آیه را به «مصلحون» ختم کرد. (ابن زبیر، ١٤٠٣، ج ١: ١٧١؛ خطیب اسکافی، ١٤٢٢، ج ٢: ٥٤٨؛ سامرای، ٢٠٠٠).

چنان که ملاحظه شد، فواصل هر آیه متناسب با مفهوم و سیاق آیات قبل و در جهت تکمیل و توضیح بیشتر آن بیان شده است که خود دلیلی قانع کننده به شمار می‌رود.

٦-٦- تفاوت در مضاف الیه:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (نمل: ٦٩)

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (انعام: ١١)

اسلوب سوره نمل، وعید و تهدید است. اسلوب امر در این آیه بعد از بیان آیاتی عتاب‌آمیز همراه با نمایش عظمت و قدرت خدا آمده است. حوادثی که برای مجرمان قبلی اتفاق افتاده برای مجرمان بعد نیز اتفاق می‌افتد. (صابونی، ١٤٢١، ج ٣: ٤٢٢).

این که در سوره نمل به جای «مکذبین»، «مجرمین» آمده، اشاره به این مطلب است که تکذیب آنان به خاطر اشتباه در تحقیق نبود، بلکه سرچشمه آن لجاجت و آلوده شدن به انواع جرم‌ها بود. «جرم» به معنای جدا کردن میوه از درخت است و به طور استعاره برای ارتکاب زشتی و

انجام گناه به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۴۱)؛ زیرا «مُجْرِم» عملی را انجام می‌دهد که رابطه‌اش را با پروردگار قطع می‌کند. با این تعبیر، آنان خود را از رحمت الهی جدا کردند و خداوند آنان را به آثار گذشتگان مجرم و منکر توحید و معاد، توجه داده و وصف ایشان را در آیات پیشین این سوره آورده است. البته برخی نیز این اختلاف فاصله را به دلیل تَفَنُّن و تَنَوُّع در کلام دانسته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۹: ۲۲۹)، اما فاصله در سوره انعام با توجه به بافت آیات قبل: ﴿فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ﴾ (انعام: ۵) و متناسب با مفاهیم و معانی آن آیات پیشین، با لفظ «مُكذِّبِينَ» آمده است.

۶-۷- تفاوت فواصل در جمله پایانی آیه:

﴿... فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ (یونس: ۱۰۸)

﴿... فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ (زمر: ۴۱)

﴿... فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ (نمل: ۹۲)

معنای آیات این است که ما قرآن را به حقیقت و به این هدف نازل کردیم که آن را بر مردم بخوانی، حال هرکس با آن هدایت یافت، نفع هدایت عاید خودش می‌شود و هرکس هدایت نیافت، ضرر گمراهی نیز عاید خودش می‌شود، وظیفه تو تنها ابلاغ و انذار است. در عبارت ﴿وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾، کلمه وکیل به معنی کسی است که موظف است در ابلاغ فرمان الهی به مردم کوتاهی نکند، خواه پذیرا شوند یا رویگردان. در سوره یونس و زمر با توجه به صدر و ذیل آیه، هماهنگی خاصی وجود دارد. سود هدایت یافتن، دوام نعمت و جاودانگی در بهشت است و ضد هدایت، یعنی ضلالت، همان دوام کیفر با عذاب دردناک است. سپس آیه به ﴿وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ ختم شده است تا معنای کاملی نسبت به صدر آیه نشان دهد.

اما در سوره نمل به جهت هماهنگی با فواصل آیات قبل که به «واو» و «نون» یا به «یاء» و «نون» ختم می‌شوند؛ عبارت ﴿وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ نیز به این شکل آمده است. (خطیب اسکافی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۷۵۰-۷۵۱) نقد وارد بر سخن خطیب اسکافی که علت اختلاف فواصل در این آیات را هماهنگی با آیات پیشین می‌داند، این است که اگر این‌گونه بود، باید

در سوره یونس هم از کلمه «الْمُنْدِرِينَ» استفاده می‌شد؛ زیرا فواصل آیات این سوره هم به «ین» ختم شده‌اند. پس این، نمی‌تواند دلیل درستی باشد.

در سوره نمل، در آیات قبل، این مطلب بیان شده است که انسان‌ها دو دسته‌اند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا... * وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ...﴾ (نمل: ۸۹-۹۰)، لذا لزومی ندارد که در این آیه همان موضوع را دوباره تکرار کند. البته این مطلب وقتی درست است که معلوم شود سوره نمل ابتدا نازل شده باشد. (ابو حسان، ۱۴۳۱: ۴۲۸). غرناطی اختلاف فواصل را متناسب با سیاق و هماهنگ با آیات قبلی در هر سوره دانسته است. (ابن زبیر، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۵۲؛ شعیر، ۲۰۱۳، ج ۱: ۵۵۸) و این نظر، بهتر و قوی‌تر است؛ زیرا هدف صرفاً رعایت فواصل آیات نبوده است.

۶-۸- تفاوت در ساختار و محتوا:

﴿فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ (روم: ۵۲ و نمل: ۸۰)

﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ﴾ (انبیاء: ۴۵)

در سوره انبیاء انذار به وسیله وحی به شکل خطاب در «أُنذِرُكُمْ» بیان شده و این آگاه ساختن آن‌ها به این موضوع است که افراد ناشنوا، بانگ دعوت را هنگام بیم دادن، نمی‌شنوند. لذا در آیه گفته: «إِذَا مَا يُنذِرُونَ»، یعنی آنچه شما را انذار می‌کند، وحی الهی است و اگر در شما اثری ندارد با این‌که برای هدایت شماست، به خاطر این است که شما ناشنوا شده‌اید و انذار را نمی‌شنوید، پس نقص از ناحیه شما است نه از ناحیه قرآن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۰: ۳۵).

اما در سوره نمل و روم قبل از عبارت «وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ»، عبارت «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ»، آمده است تا حال مخاطبین را در بی‌اثر بودن وحی نسبت به آنان، به حال مردگان ملحق سازد. لذا مناسب با این آیات فرموده است: «إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (ابن زبیر، ۱۴۰۳: ۴۳۷). یعنی ای پیامبر ﷺ در توان تو نیست که دعوت را به گوش کران، آن هم در حالی که پشت می‌کنند، برسانی.

برخی گفته‌اند: چرا به جای «مدبرین» واژه «تولی» نیامده است. در پاسخ می‌گوییم این فعل موجب بی‌نیازی از «مدبرین» نمی‌شود. «تولی» مطلق پشت‌کردن است، خواه قلب، روی‌گردان شده باشد یا به حال خود باقی باشد. (آملی، ۱۳۹۱: ۳۶۷-۳۶۸) از آن‌جا که خدای سبحان درباره ایشان خبر داد که آنان نمی‌شنوند، خواست برای آن متممی بیاورد تا فهم حاصل از اشاره را از

ایشان نفی کند؛ به همین دلیل مبالغه کامل با واژه «مُدبَرین» که افاده زیادی در عدم امکان شنواندن داشت، تحقق یافت. (ابن ابی اصبح مصری، ۱۳۶۸: ۱۲۹؛ بدوی، ۲۰۰۵: ۱۱۰؛ حسناوی، ۱۴۲۱: ۲۹۱؛ مرسی، ۱۴۲۰: ۱۴۳؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۵۹).

نکته آخر این که در فواصل سوره نمل و روم، ایغال (از اقسام فواصل) صورت گرفته است. ایغال عبارت است از ختم کلام به چیزی که معنی بدون آن تمام باشد و متکلم بخواهد معنای سخنش را پیش از رسیدن به پایان آن کامل کند، بنابراین لفظی می آورد که معنایی افزون بر معنای کلام را بیان نماید و کلام را رونق و زیبایی بخشد. (رجائی، ۱۳۵۲: ۲۱۳؛ معرفت، ۱۳۷۲: ۵۷؛ عسکری، ۱۳۷۲: ۴۹۵).

یافته‌های پژوهش

بر اساس پژوهش انجام شده، نتایج زیر به دست آمد:

- ۱) دلیل اختلاف فواصل در آیات متشابه لفظی، تناسب هر آیه با آیات قبل و بعد خود است.
- ۲) بین فواصل آیات متشابه لفظی و محتوای آیات، ارتباطی وثیق و محکم وجود دارد و یافتن این پیوند و ارتباط معنایی، گاهی سهل الوصول و گاه دشوار و سخت یاب است.
- ۳) در تحلیل آیات متشابه بنا و اساس معنایی، سیاق است و با آگاهی از سیاق، ارتباط تغییرات واژگانی آیات مشابه، تبیین می شود. نقش سیاق در فهم و بهره‌گیری از آیات قرآن به عنوان یکی از اصول عقلایی محاوره، نقشی اساسی و انکارناشدنی است.
- ۴) توجه به آیات قبل به جای توجه به یک آیه، دقت در جزئیات معنا و ساختار الفاظ و واژه‌ها، توجه به صفات و مقایسه آن‌ها از نظر وسعت معنا، در آیات مشابه نیز می تواند دلیل اختلاف فواصل آیات را روشن کرده و آن را از حالت ابهام در آورد.
- ۵) فاصله به عنوان آخرین قسمت آیه، از نظر معنایی، ارتباطی محکم و وثیق با محتوای آیه دارد، به طوری که پیوندی ناگسستنی میان لفظ و معنا، جو حاکم بر سوره و آهنگ و ریتم پایان آیه در سراسر فواصل آیات قرآنی برقرار است.

منايع

قرآن كريم، ترجمه مكارم شيرازي، ناصر (١٣٧٣ ش). قم. انتشارات دار القرآن الكريم.

كتابها

عربي

آلوسی، محمود بن عبدالله. (١٤١٥ ق). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. (ابراهيم شمس الدين، علي عبد الباري عطيه، سناء بزيع شمس الدين). بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون.
أبو حسان، جمال محمود أبو حسان. (٢٠١١ م). الدلالات المعنوية لفواصل الآيات القرآنية. عمان: دار الفتح للدراسات و النشر.

ابن جماعه، محمد بن ابراهيم. (١٤١٨ ق). كشف المعاني في متشابه المثاني (ج ١). [بى جا] : دار المنار.
ابن زبير، احمد بن ابراهيم. (١٤٠٣ ق). ملاك التاويل القاطع بذوي الاحاد و التعطيل في توجيه المتشابه اللفظ من آي التنزيل. بيروت: دار الغرب.

ابن عاشور، محمد طاهر. (١٤٢٠ ق). تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور. بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
ابن عطيه، عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢ ق). المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز. (عبدالسلام عبدالشافى محمد و جمال طلبه). بيروت: دار الكتب العلمية.

ابوحيان، محمد بن يوسف. (١٤٢٠ ق). البحر المحيط في التفسير. (صدقى محمد جميل). بيروت: دار الفكر.
انصارى، زكريا بن محمد. (١٤٢٤ ق). فتح الرحمن شرح ما يلتبس من القرآن. (بحى مراد، زكريا بن محمد انصارى، محقق). بيروت: دار الكتب العلمية.

باقلانى، محمد بن طيب. (١٩٧٧ م). إعجاز القرآن (ج ١). بيروت: دار الكتب العلميه.
بدوي، احمد. (١٣٧٠ ش). الفاصلة القرآنية. القاهرة: مكتبه تحفة مصر.
بقاعى، ابراهيم بن عمر. (١٤٢٧ ق). نظم الدرر في تناسب الآيات و السور. (عبدالرزاق غالب مهدى). بيروت: دار الكتب العلمية.

بنت الشاطى، عايشه. (بى تا). الاعجاز البياني للقرآن و مسائل ابن الازرق: دراسة قرآنية لغوية و بيانية (ج ١). القاهرة: دار المعارف.

حسنواى، محمد. (١٤٢١ ق). الفاصلة في القرآن (ج ١). عمان: دار عمار.
خالدي، صلاح عبدالفتاح. (٢٠١٤ م). اعجاز القرآن البياني و دلائل مصدره الرباني. عمان: دار عمار. بازيباى از دار عمار.
خطيب اسكافى، محمد بن عبدالله. (١٤٢٢ ق). درة التنزيل و غرة التأويل في بيان الآيات المتشابهات في كتاب الله العزيز (ج ١). بيروت: دار المعرفة.

خفاجى، احمد بن محمد. (١٤١٧ ق). حاشية الشهاب المسماة عناية القاضي و كفاية الراضى على تفسير البيضاوي. بيروت: دار الكتب العلمية.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. (صفوان عدنان داوودی). بیروت: دار الشامیة.
- رمانی، علی بن عیسی. (۱۹۷۶م). النکت فی إعجاز القرآن (ج ۱). دهلی: مکتبۃ الجامعۃ الملیة الإسلامیة.
- زرکشئی، محمد بن بھادر. (۱۴۱۰ق) البرهان فی علوم القرآن. (جمال حمدی ذھبی، ابراهیم عبداللہ کردی، محمد بن بھادر زرکشئی، یوسف عبدالرحمن مرعشلی، محقق). بیروت: دار المعرفۃ.
- زنجشیری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتب العربی.
- سامرایی، فاضل صالح. (۱۴۲۲ق). التعبیر القرآنی. قم: دار الزھراء.
- سامرایی، فاضل صالح. (۲۰۰۳م). لمسات بیانیة فی نصوص من التنزیل. عمان: دار عمار.
- سکاکئی، یوسف بن ابی بکر. (بی تا). مفتاح العلوم (ج ۱). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن. (فواز احمد زمزلی). بیروت: دار الکتب العربی.
- شعیر، عبدالمنعم کامل. (۲۰۱۳م). الاسباب الاعجازیة فی المتشابهات القرآنیة. منصوره: دارالیقین م. بازیابی از دارالیقین.
- صابونی، محمدعلی. (۱۴۲۱ق). صفوة التفاسیر. بیروت: دار الفکر.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش). أطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- عباس، فضل حسن. (۱۴۲۹ق). إعجاز القرآن الکریم (ج ۱). عمان: دار التفاسیر.
- عباس، فضل حسن. (بی تا). قضايا قرآنیة فی الموسوعة البریطانیة (نقد مطاعن و رد شبهات). [بی جا]: دار البشیر.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۶ق). بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز. (محمد بن یعقوب فیروزآبادی). القاهرة: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للثقون الاسلامیة.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۷۳ش). تفسیر الصافی. (حسین اعلمی). تهران: مکتبۃ الصدر.
- قطب، سید. (۱۴۰۸ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
- کرمانی، محمودبن حمزه. (۱۴۱۸ق). البرهان فی متشابه القرآن. (احمد عز الدین عبداللہ خلف اللہ). المنصوره: دار الوفاء.
- لاشین، عبد الفتاح. (۲۰۱۴م). من اسرار التعبير فی القرآن الکریم: الفاصلة القرآنیة. القاهرة: دار الفکر العربی م. بازیابی از دار الفکر العربی.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار الفکر.
- مرسی، کمال الدین عبد الغنی. (۱۴۲۰ق). فواصل الآیات القرآنیة. بی جا: بی تا.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸ش). التمهید فی علوم القرآن (ج ۵). قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴م). التفسیر الکاشف. (محمدجواد مغنیه). قم: دار الکتب الإسلامی.
- نصار، حسین. (۱۹۹۹م). اعجاز القرآن الفواصل (ج ۱). القاهرة: مکتبۃ مصر.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. (حسن بن محمد نظام الاعرج و زکریا عمیرات). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- هاشمی، احمد. (۱۴۲۰ق). جواهر البلاغہ، قم: حبیب.

فارسی:

- ابن ابی اصبح مصری، عبدالعظیم بن عبدالواحد (۱۳۶۸ش). **بديع القرآن**. (علی میرلوحی). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۷۱ش). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. (محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸ش). **تفسیر المیزان** (ترجمه: محمد باقر موسوی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). **تفسیر جوامع الجامع**. (ابوالقاسم گرجی). قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- قزائنی، محسن. (۱۳۸۸ش). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کواز، محمدکریم. (بی تا). **سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن**. (سیدحسین سیدی). تهران: سخن.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۳ش). **تناسب آیات**. (عزت الله مولائی نیا همدانی). قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مجلات:

- آخوندی، علی اصغر. (۱۳۹۷ش). «چالش‌های ارتباط معنایی فواصل با محتوای آیات قرآن کریم». **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، ۳۷ (۱۵)، ۳۵-۶۴.

References:

Holy Quran, translated by Makarem Shirazi, Nasser (1373). Qom. Dar Al-Qur'an Al-Karim Publishing House.

Books:

Arabic:

- Alusi, Mahmoud bin Abdullah. (1415 BC). *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Glorious Qur'an and the Seven Muthani*. (Ibrahim Shams al-Din, Ali Abd al-Bari Attia, Sanaa Bazi Shams al-Din). Beirut: Scientific Books House, Muhammad Ali Beydoun Publications.
- Abu Hassan, Jamal Mahmoud Abu Hassan. (2011 AD). *The intangible semantics of the breaks of the Quranic verses*. Amman: Dar Al-Fath for Studies and Publishing.
- Ibn Jamaa, Muhammad bin Ibrahim. (1418 BC). *Revealing the meanings in Muthashabi al-Muthani (Part 1)*. [Bi-ja]: Dar Al-Manar.

- Ibn Zubair, Ahmad bin Ibrahim. (1403 BC). The owners of the decisive interpretation of those with atheism and disruption in directing the similar pronunciation of the revelation verses. Beirut: Dar Al-Gharb.
- Ibn Ashour, Muhammad Tahir (1420 BC). The interpretation of liberation and enlightenment, known as the interpretation of Ibn Ashour. Beirut: Foundation for Arab History.
- Ibn Attia, Abdul Haq bin Ghalib. (1422 BC). The brief editor in the interpretation of the dear book. (Abdul Salam Abdul Shafi Muhammad and Jamal Tolba). Beirut: Scientific Books House.
- Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf. (1420 BC). (Sidqi Muhammad Jamil). Beirut: Dar Al-Fikr.
- Ansari, Zakaria bin Muhammad (1424 AH). Fath-al-Rahman explained what is ambiguous in the Qur'an. (Yahya Murad, Zakaria bin Muhammad Ansari, investigator). Beirut: Scientific Books House.
- Baglani, Muhammad bin Tayeb (1977 AD). Miracles of the Qur'an (Part 1). Beirut: Scientific Books House.
- Badawi, Ahmed. (1370 U). Quranic separator. Cairo: Nahdet Misr Library.
- Bekai, Ibrahim bin Omar. (1427 BC). Al-Durar systems in proportion to verses and surahs. (Abdul Razzaq Ghalib Mahdi). Beirut: Scientific Books House.
- Bint Al-Shati, Aisha (Beta). The graphic miracle of the Qur'an and the issues of Ibn al-Azraq: a Quranic linguistic and graphic study (Part 1). Cairo: Dar al-Maarif.
- Hassanawi, Muhammad (1421 BC). The comma in the Qur'an (c.1). Amman: Dar Ammar.
- Khalidi, Salah Abdel-Fattah (2014 AD). The miracles of the Quran and the evidence of its divine source. Amman: Dar Amarem. Baziabi from Dar Ammarim.
- Cobbler preacher, Muhammad bin Abdullah. (1422 BC). Durat al-tanzil and the suddenness of interpretation in clarifying the allegorical verses in the Holy Book of God (Part 1). Beirut: House of Knowledge.
- Khafaji, Ahmed bin Mohammed. (1417 BC). Hashiyat al-Shihab named Inayat al-Qadi and Kifayat al-Radi on the interpretation of al-Baydawi. Beirut: Scientific Books House.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammed. (1412 BC). Vocabulary of the words of the Qur'an. (Safwan Adnan Dawoodi). Beirut: Dar Al-Shamiya.
- Romani, Ali bin Issa. (1976 AD). Jokes in the Miracles of the Qur'an (Part 1). Delhi: Millia Islamia University Library.
- Zarkashi, Muhammad bin Bahadur. (1410 BC) Al-Burhan in the Sciences of the Qur'an. Beirut: House of Knowledge.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1407 BC). Scout. Beirut: Arab Book House.
- Samurai, Fadel Saleh. (1422 BC). Quranic expression. Qom: Dar al-Zahra.
- Samurai, Fadel Saleh. (2003 AD). Graphic touches in texts from the download. Amman: Dar Ammar.
- Sakaki, Yusuf bin Abi Bakr. (beta). Key to Science (Part 1). Beirut: Scientific Books House.
- Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr. (1421 BC). Perfection in the sciences of the Qur'an. (Fawaz Ahmed Zumrli). Beirut: Arab Book House.

- Barley, Abdel Moneim Kamel. (2013 AD). The miraculous reasons in the Quranic analogies. Mansoura: Daraliqin M. Bazyaby from Daraliqin.
- Sabouni, Muhammad Ali. (1421 BC). The elite of interpretations. Beirut: Dar Al-Fikr.
- Tusi, Muhammad bin Hassan. (beta). Explanation in the interpretation of the Koran. Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Ok, Abdul Hussain. (1378 AM). Best statement in the interpretation of the Koran. Tehran: Islam.
- Abbas, Fadel Hassan. (1429 BC). Miracles of the Noble Qur'an (Part 1). Amman: Dar Al-Nafais.
- Abbas, Fadel Hassan. (beta). Quranic Issues in the Encyclopaedia Britannica (Criticism of Contestations and Refusal of Suspicions). [BiJa]: Dar Al-Bashir.
- Firuzabadi, Muhammad bin Yaqoub (1416 AH). Insights of people of distinction in the sweetness of the dear book. (Muhammad bin Yaqoub Firouzabadi). Cairo: Ministry of Endowments, Supreme Council for Islamic Affairs.
- Faiz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza. (1373 U). net interpretation. (Hussein Alami). Tehran: Sadr Library.
- Qutub, Syed. (1408 BC). In the shadows of the Qur'an. Beirut: Dar Al Shorouk.
- Kermani, Mahmoud bin Hamza (1418 BC). Proof in similar Quran. (Ahmed Ezzeddin Abdullah Khalafallah). Mansoura: Dar Al-Wafaa.
- Lashin, Abdel-Fattah (2014). One of the secrets of expression in the Holy Quran: the Quranic comma. Cairo: Dar Al-Fikr Al-Arabi. Bazyabi from Dar Al-Fikr Al-Arabi.
- Maraghi, Ahmed Mostafa. (beta). Al-Maraghi interpretation. Beirut: Dar Al-Fikr.
- Morsi, Kamal El-Din Abdel-Ghany. (1420 BC). Breaks of Quranic verses. Bi-ja: Bi-ta.
- Know, Mohammad Hadi. (1388 u). Introduction to the Sciences of the Qur'an (Part 5). Qom: Farhangi Institute for Publications.
- Mughniyeh, Muhammad Jawad. (1424 CE). revealing interpretation. (Mohammed Jawad Mughniyeh). Qom: Islamic Book House.
- Nassar, Hussein. (1999 AD). The Miracles of the Qur'an, Interludes (Part 1). Cairo: Egypt Library.
- Al-Araj system, Hassan bin Muhammad. (1416 AH). Interpretation of the strange things of the Qur'an and the desires of the Criterion. (Hassan bin Muhammad Nizam Al-Araj and Zakaria Amirat). Beirut: Scientific Books House.

Persian:

- Ibn Abi-Esbeh of Egypt, Abd al-Azim ibn Abd al-Wahed (1368). The original of the Qur'an. (Ali Mirlohi). Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- Abu al-Fatuh Razi, Hossein bin Ali. (1371). Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in Tafsir al-Qur'an. (Mohammed Mahdi Naseh and Mohammad Jaafar Yahaghi). Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.

Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1378). Tafsir Al-Mizan (Translation: Mohammad Baqer Mousavi). Qom: Qom Seminary Teachers Society, Islamic Publications Office.

Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1377) Tafsir of Jamaat al-Jama'i. (Georgian Abolghasem). Qom: Qom Seminary, Management Center.

Qaraeti, Mohsen. (2008). Interpretation of light. Tehran: Lessons from Quran Cultural Center.

Kovaz, Mohammad Karim. (Beta). Stylistics of the rhetorical wonders of the Qur'an. (Syed Hossein Sidi). Tehran: Sokhn.

Marfat, Mohammad Hadi. (1373). Proportion of verses. (Ezzatullah Molainia Hamdani). Qom: Islamic Education Foundation.

Makarem Shirazi, Nasser. (1374). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyeh.

magazines:

Akhundi, Ali-Asghar. (2017). "Challenges of the semantic connection of intervals with the content of the verses of the Holy Quran". Quran and Hadith Science Research, 37 (15), 35-64.

جماليات الاختلاف في فواصل الآيات في الآيات المتشابهة

نوع المقالة: أصيلة

محمد علي كاظمي تبار* ، محمدرضا باغبان زاده امشه ، فاطمه اسرجاهي

١. استاذ مساعد في قسم التربية اللاهوتية، جامعة فرهنكيان، ايران، طهران

٢. استاذ مساعد بقسم الدراسات الإسلامية بجامعة جيلان، ايران، جيلان

٣. ماجستير في تفسير القرآن و علومه، جامعة قم للعلوم و المعارف، كلية تدريب معلمي القرآن، ايران، مشهد

الملخص

يَشتملُ القرآنُ الكريمُ على عجايبٍ وجمالٍ ساحرٍ لانتتهي في مجالِ التعبيرِ والأدب. يتمُّ التعبيرُ عن بعضِ هذا الجمالِ في شكلِ آياتٍ متشابهةٍ من حيثِ الموضوعِ والبنيةِ المعجميةِ ولاختلافٍ إلا قليلاً في الأحرفِ أو الكلماتِ، والتي تسمى "الآياتِ المتشابهةِ حرفياً". ممَّا لا شك فيه أنَّ ترتيبَ الكلماتِ في آياتِ القرآنِ الكريمِ، قد تمَّ على أساسِ نظامٍ حكيمٍ، حيثُ يكونُ لِكُلِّ كلمةٍ مكانها المناسبُ في العمليةِ الدلاليةِ للكلمةِ، وفيما بينها، يكونُ للمسافاتِ دورها، كعاملِ التجميلِ. الفواصلُ الزمنيةُ هي حروفٌ من نفسِ الشَّكلِ في مقاطعِ الآياتِ التي تُؤدِّي إلى فهمٍ أفضلٍ للمعاني، وفي نهايةِ الآياتِ لها مكانةٌ خاصَّةٌ بسببِ هيمنتها على مُتوى الآياتِ وهو أمرٌ فعَّالٌ للغاية في تفسيرِ الآياتِ وعليه، يسعى البحثُ الحالي، بالمنهجِ الوصفي التحليلي، إلى إيجادِ الحكمةِ من تأثيرِ الآياتِ المتشابهةِ على فتراتٍ متباينةٍ، واكتشافِ العلاقةِ بينِ الآياتِ اللفظيةِ المتشابهةِ ومسافاتِها. أيضاً، فإنَّ السَّعيَ وراءَ الجمالِ الدلالي والنقاطِ التمهيديةِ والخطابيةِ والسياقيةِ جنباً إلى جنبٍ مع التفسيرِ الجمالي، يعتمدُ على انسجامِ المسافاتِ. بعدَ السياقِ، يمكنُ أن يكونَ التساهلُ في البلاغةِ والإيقاعِ والموسيقى في السُّورِ هو سببُ الاختلافِ في مسافاتِ كلِّ سورةٍ، ممَّا يُعطي كلَّ سورةٍ لحنًا خاصًا.

الكلمات الرئيسية: القرآن، التشابه اللفظي، المسافات، السياق.

Aesthetic study of verse intervals in similar verbal verses

Article type: Research

**Mohammadali kazemitabar Mohammadreza Baghbanzadeh,^{1*}emsha²,
Fatema Sarchahi³**

1- Assistant Professor, Department of Theological Education, Farhangian University, Tehran, Iran. m.a.kazemitabar@cfu.ac.ir

2- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Gilan, Iran.

3- Master's degree in Qur'anic interpretation and sciences, University of Noble Qur'anic Sciences and Education, Mashhad, Iran.

Abstract

The Holy Quran contains fascinating and endless wonders and beauties in the field of expression and literature. Some of these beauties are expressed in the form of verses that are the same in terms of subject matter and lexical structure and are only slightly different in letters or words, which are called "literally similar verses". Undoubtedly, the order of words in the verses of the Holy Quran has been done on the basis of a wise system, in which each word has had its proper place in the semantic process of the word, and in between, distances have their role as a beautifying factor. Intervals are letters of the same shape in the passages of verses that lead to a better understanding of the meanings and at the end of the verses have a special place due to their dominance over the content of the verses, which is very effective in interpreting the verse. Accordingly, the present research, by descriptive-analytical method, seeks to find the wisdom of the effect of similar verses on different intervals and to discover the relationship between similar verbal verses and their distances. Also, the pursuit of semantic beauties and introductory, rhetorical and contextual points along with aesthetic interpretation is based on the harmony of distances. After the context, indulgence in eloquence, rhythm and music of the surahs can be the reason for the difference in the distances of each surah, which gives each surah a special melody.

Keywords: Quran, verbal similarity, distances, context.

